

دریچه

انتقاد صریح شهاب حسینی از تحریم‌کنندگان «فجر»

● شهاب حسینی، بازیگر سرشناس سینما و تلویزیون، با انتشار متنی در صفحه شخصی خود، درباره اقدام برخی سینماگران درمورد تحریم جشنواره فجر، واکنش نشان داد. متن کامل پیام شهاب حسینی به این شرح است: «دوستان، هم‌وطنان، همدردان؛ مردم رنجیده و رنججیده، روح‌مان آزرده و دل‌مان شکسته، می‌دانم. اعتمادمان سلب شده و حال عمومی ما را به این روز درآورده؛ در همین سرزمین زیسته‌ام و چون شما نیک می‌دانم؛ اما این را نیز می‌دانم که روزگار امروز محصول غلبه همیشگی احساسات بر عقل و منطق ما در همه ادوار تاریخ و در همه سطوح اجتماعی و فرهنگی است. وارت یکی از بزرگ‌ترین گنجینه‌های تاریخ و ادبیات در جهان هستیم؛ درحالی‌که در زندگی روزمره‌مان نهاده‌نی نشده و نمودی ندارد. برخورد احساسی ما درباره آینده شخصی و اجتماعی‌مان مانع از درخشش آفتاب آگاهی و عقلانیت در زندگی‌مان شده است؛ تاآنجاکه اول عمل می‌کنیم، بعد فکر می‌کنیم. فرمانی در دست احساسات، برخاسته از عجله در همه چیز، در تصمیم‌گیری، قضاوت، اظهارنظر، گرایش و واکنش. وقت آن نرسیده که بیش‌ازپیش از جاشنی تأمل و تفکر و تعقل، بهره ببریم؟ درباره سیاست‌های کلان مملکت؛ چون از دانش کافی برخوردار نیستم، صاحب‌نظر هم نیستم و بعید می‌دانم نظر شخصی‌ام تأثیر چندانی بر روند وقایع داشته باشد. هرچند عیان است نسبت به دو دهه قبل، بیشتر از غلبه احساسات بر منطق رنج می‌بریم؛ اما در حیطه حرفه‌ای خود گاهی ناگزیر از ذکر مطالبی هستم. در احوالات موج و کل‌الود، کم نیستند موج‌سواران و ماهی‌گیران آب گل‌آلود. با عشق و ارادت به تمامی خانواده‌های داغدار وقایع اخیر، به‌خصوص عروجهای هواییبیم مسافربری، لازم به ذکر می‌دانم سقوط سهمگین دیگری تهدیدیمان می‌کند و آن سقوط در مرز استانداردهای رفتاری در جامعه است که این روزها در انواع مختلف شاهد آن هستیم. از صفحه تلویزیون گرفته تا سطح و عمق جامعه در فضاهای حقیقی و مجازی، دوستان، شاید درحال‌حاضر شرایط فعلی متناسب این مطلب نباشد؛ اما عملکرد تعدادی از همکاران که بعضا در پشت آن انگیزه‌های شخصی فراقوان موج می‌زند، این واکنش را طلب می‌کند. جشنواره فیلم فجر جدای از نام و مناسبت برگزاری آن، به لحاظ تکنیکی همواره تنها جشنواره رسمی کشور تلقی می‌شده که شاید کلیه سیاست‌های سینمایی سال بعد از آن خود را اعم از نوبت آثار، سیاست‌های تولید، روش و خط‌مشی سینما را رقم می‌زده و از این بابت همواره مورد توجه سینماگران در بخش‌های مختلف و محلی جهت ارائه، کشف، رشد و پیکیری فعالیت حرفه‌ای قلمداد می‌شده. لذا حضور در آن همواره برای فیلم‌سازان داخلی حائز اهمیت بوده است. هرساله هم شاهد استقبال جامعه هنرمندان و خاصه مخاطبان سینما بوده و طی سال‌هایی که از آن گذشته، رقم‌زنده بخش قابل‌توجهی از تاریخ سینمای ایران بوده که مسلمانانند بسیاری جشنواره‌های دیگر در دنیا متولی دولتی داشته است. حال تعدادی از همکاران بنده بنای اعلام انصراف از جشنواره گذاشته‌اند. با احترام به تصمیم شخصی آنان، نسبت به آن نقدی دارم که عرض می‌کنم. ای کاش نیت‌های‌مان هم خالص باشد و بنا به صلاح شخصی خود، فی‌المثل ترس از برخورد تحقیرآمیز مخاطب یا فیلم‌مان به سیاق و روال ادوار گذشته، پشت احساسات پاک مردم قایم نشویم. اولاً این حرکت دامن‌زدن به افتراق جامعه‌شکن «خودی و ناخودی» است و این را حالی است که جامعه و مردم بیش از هر زمان دیگری به همبستگی و دلداری یکدیگر نیازمندند. این رفتار حتی در میان هنرمندان و طرفداران و مخاطبانش نیز شکاف عمیق و شاید جریان‌ناپذیری ایجاد کند که به صلاح هیچ‌کس نیست و این تصور که کسانی که ترجیح به انصراف نمی‌دهند، همدرد و شریک حال مردم و جامعه نیستند و مواضع مغایر با مردم دارند، سخت اشتباه است. حق یک فیلم است که با تمام مشقات و مشکلاتی که در راه ساخته‌شدن دارد، دیده شود و در مناسبتی رسمی مورد ارزیابی قرار گیرد. این موضوع از بابت انگیزه تمامی عوامل یک فیلم با سر‌نوشته هنر سینمای کشور، ارتباط مستقیم دارد. چه بسا که در همه‌های گذشته چنانچه نیم تمرکز سیاسی و نظامی کشور را اگر صرف ساختن فرهنگ سینما به قدرت همادوری با هالیوود می‌کردیم، شاید امروزه با تکیه بر غایت تاریخی و فرهنگی و ایمانی که از آن برخورداریم، نیمی از جهان را به مرام و آیین خویش درآورده بودیم. بماند. در نهایت قربانی‌شدن فرهنگ و هنر هم دست‌کمی از دیگر فجایع ندارد. دوم اینکه ایس جشنواره تماما امکان بدل‌شدن به یادواره‌ای برای تقدیم‌شدن آثار به از دست‌رفتگان مدت اخیر و زنده‌نگه‌داشتن یاد آنها را داراست و تریبونی برای بیان رسای احساسات و همدردی با دردمندان. یادواره‌ای که رنگ و بوی یاران از دست‌رفته را به خود بگیرد و تبدیل به مراسمی برای گرامیداشت و زنده‌نگه‌داشتن شکوه یادشان باشد. لذا این بنده کوچک بدین‌وسيله این حرکت را تأیید نمی‌کنم و آن را گامی در جهت همدردی تلقی نمی‌نمایم. هنر و فرهنگ، حق مردم هر سرزمینی است و در هر محفلی و تحت هر عنوانی که مجال بروز و ظهور پیدا کند، تأثیرگذار جامعه خویش خواهد بود. ای کاش نگاه‌هایمان هم خالص باشد و بنا به صلاح شخصی خود، فی‌المثل ترس از برخورد تحقیرآمیز مخاطب یا فیلم‌مان به سیاق و روال ادوار گذشته، پشت احساسات پاک مردم قایم نشویم. اوست یگانه یی و حاضر و ناظر؛ هم‌قصد ناموده داند، هم نامه نا نوشته خواند.

بهناز شیرینی: «امیر» نخستین تجربه کارگردانش نیما اقلیماست. این فیلم نخستین بار در سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر نمایش داده شد و تحسین بسیاری از سینمای‌نویسان را به همراه داشت. هدایت بازیگران فیلم و فرم روایی آن ازجمله نکاتی است که بسیاری معتقدند «امیر» می‌تواند از وجود کارگردانی مستعد در آینده‌ای نزدیک خبر دهد. این فیلم بعد از مدت‌ها از زمان حضور در جشنواره فیلم فجر به نمایش عموم گذاشته شده است. زمانی که به نظر می‌رسد برای دیده‌شدن هیچ فیلمی مناسب نیست اما اقلیم معتقد است این فیلم می‌تواند مخاطبش را پیدا کند چراکه مطابق با بسیاری از فیلم‌های روز سینمای ایران برای مخاطبش مسکن نیست و سعی ندارد موقتا حالش را خوب کند. در ادامه شما را به خواندن این گفت‌وگو دعوت می‌کنم:

۲ زمانی که برای نخستین بار فیلم «امیر» در جشنواره فیلم فجر نمایش داده شد، واکنش‌های متفاوتی از سمت سینمای‌نویسان داشت. برخی تجربه نخست شما را موفق توصیف کردند و برخی دیگر خلاف این نظر را داشتند. اما فارغ از فرم، در مورد محتوای اثر می‌توان صحبت کرد. به هر شکل شما هم وارد جرگه فیلم‌سازانی شدید که دست به ساخت فیلم اجتماعی می‌زنند. برخی معتقدند علاوه بر اینکه نمی‌توان مسیر شخصی‌

برای سینمای اجتماعی در نظر گرفت، اساسا در سینمای اجتماعی گفتمانی هم در جریان نیست. تا چه حد با این رویکرد موافقید؟ دیالکتیک زمانی اتفاق می‌افتد که از زاویه دیدنولوژیک دچار نگاه صفر و صد نباشید. به همین دلیل ساخت دیالوگ و گفتمان در سینمای اجتماعی که اصولا برگرفته از زیست جامعه است، سخت به نظر می‌آید. اگر این قاعده فکری در آن نظام اجتماعی وجود نداشته باشد، یعنی شنیدن صدای مخالف، همه چیز به هم می‌ریزد. به همین دلیل سینمای اجتماعی ما بیشتر مربوط به کنش‌ها و تناقضات ارزشی مانند روابط با اخلاقیات است. نمونه بارز آن سینمای اصغر فرهادی است که معتقد است سینمای اجتماعی نبرد خیر با خیر است. در حالی که این امکان وجود دارد که نبرد شر با شر یا خیر شرشده با شر خیرشده نیز باشد. تقریبا به نوعی خود شما تبدیل به آنتی‌تز خودتان می‌شوید و دیالوگ برقرار می‌شود. در سینمای اجتماعی ما به خاطر شرایط سیاسی اجتماعی به ندرت فرد در تعارض با جمع قرار می‌گیرد مگر در دوره تاریخی خاصی داستان شکل گرفته باشد، برای همین تعارضات بیشتر با خود یا در تعارض با فرد دیگری است. در این صورت اصولا دیگر قهرمان مطرح نیست. بنابراین حتی اگر فیلم «گای» را یک فیلم اجتماعی در نظر بگیریم، اصولا نمی‌تواند قهرمانی داشته باشد، چراکه آن آدم مقابل خودش قرار گرفته است. سینمای اجتماعی ما اصولا قهرمان‌محور به شکل هالیوودی نمی‌تواند باشد.

۲ فکر نمی‌کنم با این صراحت بتوانان در مورد نبود قهرمان در سینمای پیش و پس از انقلاب در سینمای ایران صحبت کرد.

بله اگر به حرف من در بالا دقت کنید، وجود قهرمان در سینمای اجتماعی است. گاهی درمورد شمایل یک بازیگر صحبت می‌کنیم تا قصه. بعد از انقلاب به لحاظ ایدئولوژیک جامعه دچار تحول شد و چون نبرد خیر و شر یا بهتر بگویم حق و باطل در جامعه وجود داشت، مردم وجود قهرمان را می‌پذیرفتند؛ خصوصا در شرایط بحرانی جنگ، سینمای جنگ از آن بهره برده است. حتی استثنائاتی در سینمای اجتماعی که به نظر بیشتر سینمای ایدئولوژیک است، فیلم‌های این چنینی وجود دارد. فیلمی مثل «قیصر» که به نوعی کنش قهرمانانه دارد به نظرم استثنائات با باقی فیلم‌ها که شمایل بازیگر است که روی فیلم اثر می‌گذارد تا تأثیر فیلم روی شمایل بازیگر، چراکه بازیگر در ذهن مخاطب به عنوان یک سمبل پذیرفته شده است. مخاطب با دیدن آن در ذهنش قهرمان از قبل ساخته‌شده متصور می‌شود.

۲ با نظر شما خیلی موافق نیستم. اما اگر اختصاصا درباره «امیر» صحبت کنیم، به وضوح شمایل قهرمان امروزی درون‌گرا را می‌بینیم که حتی می‌توان از عنوان فیلم و کنش شخصیت اصلی قصه به این نتیجه رسید که شاید تلاشی

دریغ و درد

دبیرخانه جایزه مهرگان ادب و مهرگان علم از به‌تعویق افتادن مراسم نهایی اهدای جایزه و اعلام برگزیدگان تا زمان می‌پاشدن فضای مناسب برای برگزاری این‌گونه رخدادهای شوق‌انگیز خبر داد. دبیرخانه جایزه مهرگان شرایط پرتالتهاب و سخت این روزها، وقوع حوادث ناگوار و مکرر، اندوه و ناخشنودی گروه بزرگی از مردم، خصوصا اهالی علم، ادبیات و هنر را مهم‌ترین دلیل این تصمیم اعلام می‌کند.

علیرضا زرگر، مدیر جایزه مهرگان، از سوی خود، هیئت‌های داوری جایزه مهرگان و اعضای دبیرخانه ضمن ابراز تأسف عمیق و اظهار همدردی با خانواده انسان‌های بی‌گناهی که از

آبان‌ماه تا امروز به دلایل مختلف جانشان را از دست داده‌اند، گفت: به‌عنوان یک نهاد مستقل خانواده و مدرسه آموختیم، بعدها در جامعه دچار تحول شد و این تناقض‌ها منجر به معناباحثی می‌شود. این باعث می‌شود همین قواعد اخلاقی که الان از آنها زندگی می‌کنیم، دلیل معناباحثی اینجا تعبیر می‌شود. امیر به‌عنوان فیلم نخست من، به لحاظ تم، بحث معناباحثی را عنوان می‌کند. نوعی آشنایی‌زدایی به معنای ساده: انگار جای پدر و پسر و مادر و دختر، زن و مرد عوض می‌شود. تلاشم این بود تا معناباحثی خودش را در فیلم نشان بدهد.

۲ قطعا یکی از وظایف سینماگری که قصد ساخت فیلم اجتماعی دارد، پرداختن به لایه‌های عمیق‌تری از مسائل اجتماعی است؛ مسائلی که گاه از چشم بسیاری پنهان است و به نظر می‌رسد بسیاری از فیلم‌سازان این حوزه با احتیاط به این مسائل می‌پردازند. من معتقدم شترسواری دولاولا نمی‌شود و اصولا امر اجتماعی از امر سیاسی جدا نیست. معتقدم هنرمند فقط مسکن نیست، قرار نیست فقط درد را کم کند و بیمار را آرام کند و بیمار خوب نشود. این را که فیلم در نهایت موجب تسلی می‌شود یا نه، باید بر عهده مخاطب گذاشت. به همین دلیل به نظرم باید تلاش برای درست‌کردن این موارد به دست فیلم‌سازان داخلی اتفاق بیفتد. بالطبع قد‌مزدن در این راه، دشواری‌های خاص خودش را هم دارد؛ چراکه قطعا یک‌سوی آن به سیاست ربط پیدا می‌کند. بااین‌حال، تمام تلاش من این است در فیلم‌هایم جایی را نشانه بگیرم که به‌شدت انسانی است. من دوست دارم و تلاش می‌کنم درباره روابط انسانی‌ای صحبت کنم که دیگر معنای گذشته خود را ندارد. توجه من موارد ساده انسانی است. سعی

گفت‌وگو با نیما اقلیم کارگردان فیلم «امیر»

معناباحثگی در دنیای امروز



برای بازآفرینی قهرمانی از نسل گذشته (قیصر) در فیلم امیر صورت گرفته است.

۲ فارغ از نظرات متفاوتی که نسبت به پرداخت قصه و رسیدن به مفهومی که مدنظرتان بوده، وجود دارد، در نخستین نمایش فیلم در جشنواره فیلم فجر برخی معتقد بودند میلاد کی‌مرام شمایل فردی را که دست به عمل قهرمانانه می‌زند یا به تعبیری مسئولیت اجتماعی را به این صورت می‌پذیرد، ندارد. چقدر این انتقاد را می‌پذیرید؟

از نظر من عمل قهرمانانه امیر تنها در لحظه آخر اتفاق می‌افتد؛ جایی که بچه هویت وجودی پیدا می‌کند و دیده می‌شود یا از زاویه‌ای دیگر امیر می‌پذیرد یا مجبور است بپذیرد که از بچه مراقبت کند. میلاد فارغ از بحث بازی، برای من ارزش انسانی دارد. جایی شما احساس می‌کنید آدمی درست فکر می‌کند و پای آن می‌ایستید. برای همین میلاد کی‌مرام یک ارزش انسانی و شخصی جداگانه از کار برای من دارد. میلاد کی‌مرام پای من و فیلمم ایستاد. او نیازی به تأیید من نداشته؛ چون مسیرش را می‌رفته، اما این حرکت انسانی را انجام داد و با خودش گفت تیما

وقتی برخلاف قاعده کاری انجام می‌دهید، قطعا باید منتظر یک سری پیامد باشید. باوجود تجربه‌کردن این فرم در فیلم‌سازی، ساخت فیلم و با این فرم روایی برخورد‌های قوی و صریح را در پی دارید. درمورد تعاریف و ایرادها هر دو طیف حق دارند. در پاسخ به سؤال شما از نظر من این فرم دکوراتیو نیست. اگر حس مخاطب این است که چیدمان در این فیلم می‌بند به این دلیل است که ساختار معمول ذهن ما به هم ریخته و شاید پذیرش این فرم در ابتدا سخت باشد

یعنی امیر را از طریق پدر و مادر و واکنش‌های آنها می‌شناسیم؛ چراکه همه آنها بازتابی از خودش هستند. از بازی میلاد کی‌مرام راضی هستم. زحمت زیادی برای این نقش کشید و به نظرم موفق عمل کرد. در سیستم و فرم روایی، حادثه را حاف کرد. در فیلم امیر مسئله من هیجان شمشیر ماجرا نبود؛ مسئله فیلم این است که مخاطب بتواند محور قرار بدهد. بازوها تا جایی نباشد و نیست. بازوها تا جایی که امکان داشت، مینی‌مال است؛ خصوصا شخصیت امیر. بازی‌های بیرونی‌تر در شخصیت‌های دیگر وجود دارد؛ یعنی امیر را از طریق پدر و مادر و واکنش‌های آنها می‌شناسیم؛ چراکه همه آنها بازتابی از خودش هستند. از بازی میلاد کی‌مرام راضی هستم. زحمت زیادی برای این نقش کشید و به نظرم موفق عمل کرد. در سیستم و فرم روایی، حادثه را حاف کرد. در فیلم امیر مسئله من هیجان شمشیر ماجرا نبود؛ مسئله فیلم این است که مخاطب بتواند محور قرار بدهد. بازوها تا جایی نباشد و نیست. بازوها تا جایی که امکان داشت، مینی‌مال است؛ خصوصا شخصیت

۲ درباره فرم روایی فیلم نیز تابه‌حال زیاد صحبت شده است؛ ایده این فرم از کجا شکل گرفت؟

این فرم زیبایی‌شناسی در عکاسی وجود داشته و دارد. سال‌هاست بسیاری از عکاسان با بسیاری دیگر از هنرمندان نقاش، به این شیوه کار می‌کنند. بازی با فرم به نظرم بیشتر کار عکاسانه‌ای است و در سینما به دلیل سیستم صنعتی بودن آن، کمتر کسی سراغ فرم‌های متفاوت‌تر می‌رود. من هم‌آدمار کندی‌سراغ هستم که از کارشان تأثیر گرفتم. به نظرم سینما در ابتدا چیزی غیر از تصویر نیست. تصویر و قصه ترکیب نهایی فیلم را تشکیل می‌دهند و در انتها هر دو به یک اندازه مهم می‌شوند. فیلم‌های مطرحی در دنیا

براساس این نگاه زیباشناسانه ساخته شده است که مطرح‌ترین آنها و البته معاصر‌تر فیلم آپدا از آقای پائولوگوفسکی و مجموعه کارهای سام اسماعیل است. اما فرمی که در امیر می‌بینید متفاوت از آنها و به زاویه دید شخصی من نزدیک‌تر است و وقتی منطق روایی فیلم را پیدا کردم ترجیح دادم از این فرم در ساخت امیر استفاده کنم. مثلاً زمانی که در فیلم کودک را نمی‌بینیم و فضای خارج از قاب مهم می‌شود و اینکه قرار نیست از فرم همیشگی و معمول تبعیت کنیم. در حقیقت باز هم به صحبت‌های پیشینم درباره معناباحثی اشاره می‌کنم. همیشه چیزی خارج از قاب وجود دارد و مجموعه همه اینها به من جرئت داد متنی را تصویر کنم که سال‌ها درگیرش بودم. نکته دیگر این است که وقتی عادت‌هایمان به هم می‌خورد، احساس عدم امنیت می‌کنیم. فارغ از اینکه آن چیزی که این عادت را به هم می‌زند خوب است یا بد، به معنی اینکه در راستای بقای من هست یا نیست، همه چیز همین‌قدر ساده است. چون فیلم امیر ال‌گویی را در ذهن ما به هم زده است، احساس عدم امنیت می‌کنیم. به نظرم بهتر است برخی مسائل را به زمان بسپاریم قطعا در طول زمان ثابت می‌شود که چه چیز خوب یا بد نیست از آنها است.

۲ شاید بد نیست از زاویه‌ای دیگر به این ماجرا برسیم. برخی معتقدند دکوراتیو با ساتی‌مانتال بودن این فرم روایی در برخورد با تمامی شخصیت‌های فیلم خیلی منطقی نیست. اینکه جهان ذهنی امیر با شخصیتی که یک پلان در فیلم بازی کرده است و تأثیر چندانی در روایت فیلم ندارد، یکی است.

وقتی برخلاف قاعده کاری انجام می‌دهید، قطعا باید منتظر یک سری پیامد باشید. باوجود تجربه‌کردن این فرم در فیلم‌سازی، ساخت فیلم با این فرم روایی برخورد‌های صفر و صدی را در پی دارید. درمورد تعاریف و ایرادها هر دو طیف حق دارند. در پاسخ به سؤال شما از نظر من این فرم دکوراتیو نیست. اگر حس مخاطب این است که چیدمان در فیلم می‌بند به این دلیل است که ساختار معمول ذهن ما به هم ریخته و شاید پذیرش این فرم در ابتدا سخت باشد. در این فیلم تلاش شده است قاب‌ها براساس حس و حال شخصی شخصیت‌ها بسته شود تا کمک کند حس لحظه‌ای آدم‌ها بهتر دیده شود. در عکاسی قاب‌های عمودی دارای بار معنایی کمال‌گرایی هستند و قاب‌های افقی واقع‌گرایی. سینما در طول عمر خود به سمت قاب‌های افقی عریض‌تر میل کرده است تا تاکید قاب‌ها بیشتر روی واقعی‌نمایی جهان فیلم باشد. در فیلم امیر می‌بینید که بخشی از بالای قاب را به آن اضافه کردیم تا آدم‌ها از جهان فیلم کمی جابه‌جا شوند. بنابراین ترکیبی از کمال‌گرایی و واقع‌گرایی را می‌بینیم و این بخشی از آسیبی است که کاراکترهای قصه از جهان معنایی اجتماع خود دریافت می‌کنند. در کمال‌گرایی بخشی از واقعیت دیده نمی‌شود و واقع‌گرایی بخشی از کمال نادیده انگاشته می‌شود. همه اینها بخشی از تلاش من بوده است که جایی که قصه و منطق شخصیت‌ها به من این اجازه را می‌داد به سراغ این فرم زیبایی‌شناسانه بروم.

۲ فیلم در زمانی پیش از آغاز جشنواره فیلم فجر اکرانش را شروع می‌کند که اساسا زمان مناسبی برای اکران عمومی فیلم نیست. با توجه به این شرایط پیش‌بینی شما از دیده‌شدن فیلم چیست؟ ابتدا باید از صوری آرش حسینی و سروش حسینی، سرمایه‌گذاران فیلم امیر، تشکر کنم و بعد، سیاس ویژه خود را از سعید خانی و خانه فیلم بخش‌کننده فیلم امیر ابراز کنم، چراکه اکران‌کردن این کارشناس کار سختی است، چون شمایل معمول جذابیت فیلم را طبق قواعد سینمای بدنه ندارد. این شاسن من بود تا بعد از یک سال تلاش برای اکران آن، در نهایت فیلم را به اکران عمومی برسانیم. به نظرم اگر مخاطبان این فیلم حوصله کنند و آن را ببینند متوجه می‌شوند که تلاش کردیم فقط سکن نباشیم که به‌طور لحظه‌ای حال آدم‌ها را خوب کنیم. همین‌جا از همه عوامل فیلم امیر که بدون چشمداشت برای این فیلم زحمت کشیدند تشکر می‌کنم و همین‌طور از آقای سیدضیا هاشمی، تهیه‌کننده فیلم که با وجود اختلاف سلیقه برای ساخت این فیلم تلاش کردند.

پاسخ رئیس هیئت‌مدیره خانه سینما به عذرخواهی صداوسیما

ایسنا: به‌دنبال اظهارنظر کارشناس یکی از برنامه‌های شبکه افق نسبت به برخی هنرمندان و صدور بیانیه شهیدالرحن خانه سینما در اعتراض به این سخنان علیه سازمان صداوسیما، مدیرکل روابط عمومی این سازمان در بیانیه‌ای از اظهارات آن فرد برائت جست و به نمایندگی از سازمان صداوسیما رسماً از جامعه هنری کشور عذرخواهی کرد و نوشت: «صداوسیما نه‌تنها چنین اظهارنظر مخیفی را قبول ندارد، بلکه آن را خلاف موازین اخلاقی و سسی مهلک برای وحدت میان قشرهای مختلف می‌داند». در پی این اظهارنظر، «همایون اسعدیان» رئیس هیئت‌مدیره خانه سینما با انتشار متنی در توئیتر، از مدیرکل روابط عمومی سازمان صداوسیما تشکر کرد. متن نوشته همایون اسعدیان به شرح زیر است: «به نظر می‌رسد درخواست نیز منتفی شده باشد.

زیر آسمان فیروزهای

قرعه‌کشی سینمای رسانه جشنواره فیلم فجر انجام شد

● مراسم قرعه‌کشی جدول سینمای رسانه در سی‌وهشتمین جشنواره ملی فجر با اجرای محمدرضا مقدسیان پنجشنبه بیست‌وششم دی با حضور عوامل فیلم‌ها، مسئولان برگزاری جشنواره و اهالی رسانه در پردیس سینمایی ملت برگزار شد. در ابتدا مقدسیان با تسلیت به مناسبت درگذشتگان حادثه سقوط هواپیمای اوکراینی و سیزلدگان سیستان‌وبلوچستان، کرمان و هرمزگان بیان کرد: قرار بر این است که ما با نگاه‌های متفاوت در کنار هم شرایط بهتری را برای کشور و خودمان رقم بزنیم. اگر در این مراسم کسی را تشویق می‌کنیم قرار بر پایکوبی و شادمانی نیست بلکه انگیزه‌دادن برای ادامه راه است. در ادامه ابراهیم داروغه‌زاده، دبیر سی‌وهشتمین جشنواره ملی فجر روی سن آمد. او با تشکر از کسانی که در این شرایط سخت بنا را بر همدلی گذاشتند، اظهار کرد: حادثه هوایی و سبلی که بخشی از کشور گرفتار آن شدند برای همه ما تأسف‌بار بود. شاید در شرایط کنونی برگزارکردن چنین مراسمی خوشایند نباشد و به همین دلیل ما جشن افتتاحیه جشنواره را برای همدلی با سیزلدگان سیستان‌وبلوچستان لغو کردیم و هزینه برگزاری این مراسم را به سیزلدگان اختصاص خواهیم داد. داروغه‌زاده خطاب به سینماگران و هنرمندان بیان کرد: آنچه مردم را در این سال‌ها دلگرم کرده سینما بوده و شما با حضورتان مردم را تسکین می‌بخشید. حقیقتاً ما قصد برگزاری این مراسم را هم نداشتیم اما بر اساس روالی که در دو سال گذشته بنای آن را گذاشتیم و برای اینکه محق پامال نشود، برگزاری چنین مراسمی را الزامی دانستیم.

دبیر سی‌وهشتمین جشنواره ملی فجر با بیان اینکه فیلم‌ها در ایام برگزاری جشنواره در چهار سانس نمایش داده خواهند شد، بیان کرد: سه سانس اول هر روز به فیلم‌های بخش سودای سیمرغ و نگاه نو و سانس پایانی به فیلم‌های مستند و کوتاه اختصاص داده شده است. او در پایان تاکید کرد: جشنواره همیشه پل ارتباطی بین سینما و مردم بوده و امیدواریم امسال این ارتباط پررنگ‌تر از سال‌های گذشته باشد. در ادامه کلیبی از فیلم‌های کوتاه و مستند حاضر در جشنواره برای حضار نمایش داده شد. سپس بر اساس قرعه مستند «عالیچاب» و «عزیز» چهارشنبه ۱۶ بهمن سانس چهار، «زندگی در میان پرچم‌های جنگی» و «مادر برقی» جمعه ۱۷ بهمن سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه ۲۱ بهمن سانس چهار، «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «امتحان» نیز دوشنبه ۱۴ بهمن در سانس چهار، «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها» ۱۲ بهمن در سانس چهار، «قصه دختران فروغ» و «دابر» یکشنبه ۱۳ بهمن در سانس چهار، «خسوف» و «اشغال» سه‌شنبه ۱۵ بهمن سانس چهار، «پروژه از ازدواج» و «سور بز» دوشنبه